

جدایی تازه عروس و داماد در سایه سرمایه پدرشوهر

تصمیم قاطعی بگیرد. سرانجام تحصیلاتم به پایان رسید و منتظر ماندم مهدی و خانواده‌اش هر چه زودتر تکلیف زندگی و عروسی‌مان را مشخص کنند. اما خانواده‌اش مرتب به بهانه‌های مختلف زمان مراسم عروسی را عقب می‌انداختند تا این که از مهدی شنیدم که خانواده‌اش قصد ندارند برایمان جشن عروسی بگیرند. خانواده‌ام با شنیدن این حرف ناراحت شده و از من خواستند مانند همسر من زیر سلطه آنان باشم و آنها تصمیم گیرنده نهایی برای زندگی‌مان باشند. وی افزود: از شوهرم خواستم تا از هم جدا شویم اما وی نپذیرفت و قول داد هر چه سریعتر مستقل شود. من نیز به وی فرصت دادم اما با گذشت دو سال چنین اتفاقی نیفتاد و اکنون خسته و دلزده شده‌ام و قادر به تحمل این وضع نابسامان و آشفته نیستم. پس از ادعاهای نو عروس وقتی مهندس تازه داماد در برابر قاضی احمدی ایستاد، گفت: حرف‌های همسر من را قبول دارم. سرمایه‌ای که من با آن کار می‌کنم متعلق به پدرم است. در این مدت هر چه تلاش کردم تا شغل مستقلی پیدا کنم و سرمایه پدرم را بر گردانم، نتوانستم. حالا هم به همسر من حق می‌دهم و حاضر به جدایی توافقی هستم. قاضی احمدی پس از شنیدن ادعاهای زوج جوان، از نو عروس در خصوص مهریه‌اش پرسید و نو عروس جواب داد که همه مهریه‌اش را به شوهرش می‌بخشد. سرانجام زوج جوان در اوج علاقه توافقی از هم جدا شدند.

گروه شوک: نو عروسی که از دخالت‌های عجیب خانواده تازه داماد به تنگ آمده بود، برای جدایی به دادگاه خانواده رفت. چندی پیش زن جوانی با مراجعه به شعبه ۲۶۶ دادگاه خانواده ونک و ارائه دادخواستی، تقاضای طلاق توافقی کرد. مینا ۲۵ ساله با صدای بغض آلود به قاضی غلامحسین احمدی گفت: دانشجوی رشته متالوژی هستم، دو سال پیش پسری به نام مهدی که مهندس راه و ساختمان است، به خواستگاری‌ام آمد. پدرش در همان جلسه خواستگاری گفت پدرش با سرمایه‌ای که در اختیار دارد مشغول ساختمان‌سازی است. از آنجا که من فکر می‌کردم همه سرمایه متعلق به مهدی است با در نظر گرفتن همه شرایط به وی جواب مثبت دادم. پدرم شرط کرد سیغه عقد بین ما خوانده شود و پس از پایان تحصیلاتم و برگزاری جشن عروسی، زندگی‌مان را شروع کنیم. با توافق دو خانواده با مهریه هزار سکه طلا سفره عقد نشستیم. مدت کوتاهی از رفتن و آمدن به خانه پدر شوهرم نگذشته بود که متوجه شدم پدر و مادر شوهرم نفوذ زیادی روی شوهرم دارند و مهدی هم از استقلال مالی و فکری برخوردار نیست من که از این موضوع بشدت ناراحت بودم و رنج می‌کشیدم. «بارها از همسرم خواستم به دنبال استقلال شغلی و شخصیتی باشم اما به دلیل این که وی از کودکی زیر سلطه خانواده‌اش بود نمی‌توانست